

فضول باشی و حامیان مالی ورزش

تا صحبت از ورزش حرفه‌ای، لزوم حضور تیم‌های ورزشی اردبیل در لیگ‌های مختلف، پرشدن ورزشگاه‌ها و ایجاد انگیزه در نوجوانان و جوانان برای روی آوردن به ورزش به میان می‌آید و از عدم موفقیت در این زمینه سخن گفته می‌شود همه کاسه کوزه‌ها بر سر حامیان مالی می‌شکنند.

حامی مالی حلقه مفقوده توسعه ورزش استان محسوب می‌شود. برای استان قهرمان پروری چون اردبیل نقطه ضعف بزرگی است که وقتی ورزشکارانش به مرحله درخشش می‌رسند به استان‌ها و شهرهای دیگر می‌روند و بناچار از شهر و کاشانه خود دور می‌شوند.

مطالبه‌گری علاقه‌مندان به ورزش وقتی اوج می‌گیرد و به طرق مختلف از فعال نبودن رشته‌های مختلف ورزشی در سطوح رقابت‌های کشوری انتقاد می‌شود حامی مالی در تیررس قرار می‌گیرد. آیا به‌راستی در سطح استان فعالان و بنگاه‌های اقتصادی نمی‌توانند برای حمایت از ورزش سرفصلی برای خود تعریف نمایند؟ واحدهایی که از امکانات استان استفاده کرده و به‌خوبی درآمد زایی می‌کنند چرا نمی‌خواهند گوشه‌ای از این درآمدها را صرف ایجاد شور و نشاط در استان بکنند؟ آیا گردش مالی واحدهای بزرگ صنعتی استان در اندازه حمایت از یک تیم ورزشی نمی‌باشد؟ باور کن زجرآور است که در واحدهای صنعتی استان اراده‌ای برای حمایت از ورزش وجود ندارد. فقط تا می‌توانیم در این ارتباط حرف می‌زنیم، شعار می‌دهیم ولی دریغ از یک حرکت مثبت و عملی در سال‌های اخیر.

گفتم: فضول باشی روی سوژه‌ی خوبی دست گذاشته‌ای. تا درخواستی و تقاضایی برای تحت پوشش قرار دادن یک تیم ورزشی مطرح می‌شود صاحبان واحدهای صنعتی از نداری، مشکلات و کمبود نقدینگی و درماندگی صحبت می‌کنند ولی تا مشکلی برای یک واحد پیش می‌آید و به مرحله واگذاری می‌رسد همان درمانده‌ها برای تصاحب آن واحد سرودست می‌شکنند و رایزنی می‌کنند. لوای بی‌توجهی به ورزش فقط در این منطقه برافراشته شده و هر روز به طرق مختلف برای گسترش و همه‌گیر کردن آن هم تلاش می‌کنند.

گفت: سرمایه‌گذاری در ورزش می‌تواند نوید اتفاقات خوب از قبیل کشف استعداد‌های نهفته و ایجاد انگیزه در بین ورزشکاران باشد. چرا در

دیگر نقاط کشور و حتی در شهرهای کوچک به پشتیبانی از ورزش روی خوش نشان می‌دهند و این اردبیل است که از هیچ شانس در این ارتباط برخوردار نیست. استان ما در سخنان امیدوارکننده برای جذب حامی مالی در صدر قرار می‌گیرد و این چنین است که سالها ورزش ما را با این قبیل وعده‌ها امیدوار کرده‌اند ولی جز بن بست مسیر دیگری در پیش پای آن قرار نگرفته است.

گفتم: باید به یک واقعیت نیز اشاره بکنم. فضول باشی عزیز در استان ما هنر استفاده از حامیان برای کمک به ورزش نیز در حد صفر است. تجربه نشان می‌دهد که ما در مقاطعی خواسته و ناخواسته حامیان مالی ورزش را فراری داده‌ایم. نمونه‌های متعددی را می‌توان ذکر کرد و این دردی است که متأسفانه برای درمانش نیز چاره‌ای اساسی اندیشیده نشده است.

گفت: خوب اشاره کردی، باید قدر کسانی را که برای ورزش ریالی هزینه می‌کنند بدانیم و زمینه دلگرمی هرچه بیشتر آن‌ها را فراهم بکنیم. کاری انجام ندهیم که دلسردشان نماییم تا عطای ماندن در ورزش را به لقایش ببخشند و بروند و دیگر به ورزش و ورزشی‌ها روی خوش نشان ندهند.

گفتم: علاوه بر بخش خصوصی در نقاط مختلف کشور حمایت شورا و شهرداری نیز ملموس است ولی در استان و به خصوص در شهر اردبیل نیز این امر با اما و اگرها مواجه می‌باشد و خلاصه اردبیل است و هزاران هزار حاشیه که ورزش در این میان دیوارش بسیار کوتاه‌تر از بخش‌های دیگر می‌باشد.

گفت: من فقط خدا خدا می‌کنم که این تعداد اندک و محدودی که الان به طرق مختلف از ورزش و رشته‌های مختلف حمایت می‌کنند دلسرد نشوند، آن‌ها را دلگرم کنیم و تشویقشان نماییم تا بتوانند بر دایره حمایت‌هایشان اضافه کنند و دیگران نیز را برای حضور در صحنه حمایت از ورزش تشویق نمایند. انشاءالله.